

## يك صفحه از حوادث عراق در جنگ بين المللى اخير

-۲-

در پنجم مه یعنی پس از چهارروز از شروع حملات قوای هوائی انگلیس قوای عراق ضربات کافی دیده بود و در همان شب از مرتفعات عقب نشینی کردند و انگلیس ها آنها را دنبال نموده در نتیجه ۴۰۰ نفر اسیر و ۱۲ توپ و ۶۰ مسلسل و ده اتوموبیل زره پوش را بغنیمت بردند . يك ستون سرباز که از خلوچه به کمک قوای عراق می آمد مورد حمله چهل هواپیما که از جانبیه حرکت کرده بودند شد و دچار خسارت بسیار سنگینی گردید و باین ترتیب محاصره جانبیه روز ششم مه پایان یافت ولی باز هم چند هواپیما از مصر به کمک قوای انگلیس در جانبیه اعزام شد و زنان و کودکان انگلیسی با هواپیما به بصره منتقل گردیدند و در حدود شصت هواپیمای عراقی بکلی از کار افتاد .

نامه مورخه ۷ مه ۱۹۴۱ نخست وزیر به مارشال هوائی اسماست :

« اقدامات مجدانه و قابل تحسین شما وضع را بحال عادی عودت داد ماهم مراقب مبارزه شما هستیم . هر گونه مساعدتهای ممکنه خواهد شد . با اقدامات خود دنباله دهید . »

نامه مورخه ۷ مه ۱۹۴۱ چرچیل نخست وزیر به ژنرال ویول :

« تصور میرفت که ممکن است وضعیت در جانبیه بهبودی یابد و يك اقدام مجدانه علیه عراقیان ممکن است این حرکت را قبل از کومک آلمان خاموش کند . آلمانیها میتوانند بشورشیان عراق کمک کنند ولی نمیتوانند مدت مدیدی باین کمک ادامه دهند . ما باید باینکه حمله برق آسا تأثیر معنوی و روحی کمک آلمان را خنثی نمائیم . بعقیده من اگر رطبه یا جانبیه را تصرف نمائیم قوای ما میتوانند بغداد را تصرف نمایند و از پیروزی خود استفاده کامل برند . تلکرافات دیگری نیز راجع بتحریرك عشایر علیه سیاست دولت عراق ارسال داشته ام . »

ژنرال ویول این پاسخ را در تاریخ ۸ مه ۱۹۴۱ بر رؤسای ستاد مستقیماً فرستاد :

« گمان میکنم باید حدود عملیات جنگی را در عراق در ظرف چند ماه آینه ( بدون اینکه بهبودی در وضع سیاسی روی دهد) در نظر داشته باشید . قوایی که از هندوستان اعزام گردد میتواند بصره را حمایت کند ولی بعقیده شخصی من نمیتواند بطرف شمال پیشرفتی نماید مگر اینکه همکاری و معاونت اهالی محل و عشایر عرض راه تأمین گردد . همچنین قوایی که از فلسطین برسد میتواند جانبیه را آزاد کند و راه بغداد را زیر نظر و مراقبت قرار دهد و نگذارد قوای عراق بطرف جانبیه پیش آید ولی نمیتواند مقاومت طرف را درهم شکسته بغداد را تصرف نماید و مراکز خود را در آنجا تقویت دهد . بنا براین و بمنظور اجتناب از عملیات جنگی وسیع در منطقه ای که ارزش حیاتی ندارد بار دیگر پیشنهاد و توصیه میکنم که باید بهر وسیله که ممکن شود راه حل مسالمت آمیزی پیدا شود . »

چرچیل در یادداشتهای خود میگوید اگر چه به اهتمام وصحت عمل ژنرال ویول اطمینان داشتیم ولی باز هم بشدت بر او فشار آوردم .

نامه نخست‌وزیر به ژنرال ویول مورخه ۹ مه ۱۹۴۱ :

« تلگراف مورخ ۸ مه شما راجع بمراق مورد مطالعه کمیسیون دفاع قرار گرفت . اطلاعاتی که داریم حاکی است که اوضاع رشید عالی و همدستانش بسیار بد و نامساعد است . در هر صورت باید بشدت بآنها مبارزه نمائی . هنگک موتوریزه که در فلسطین آماده شد باید طبق پیشنهاد شماره چه زودتر حرکت کند و بادشمن یا در رطبه و یادر حبانیه کلاویز گردد . همینکه قوای مزبور به حبانیه رسید باید بدون تردید نهایت استفاده را از فرصت کرده بطرف بغداد - حتی اگر با قوای کم و سبکی هم باشد - حرکت نمائی و مانند آلمانها که ناگهان دست با اقدام می زنند و پیروز می شوند حمله کنی .

۲ - جای هیچگونه مذاکره ای با رشید عالی نیست مگر اینکه با شرایط مندرجه در تلگراف رؤسای ستاد موافقت نماید . این مذاکرات نتیجه ای جز تأخیر ندارد و به نیروی هوائی آلمان فرصت خواهد داد که خود را بمراق برساند . ما تصور نمیکنیم هر اندازه قوای زمینی بمراق اعزام داری بر عملیات جنگی در صحرای غربی تأثیر کند . نیروی هوائی سلطنتی باید نهایت کوشش را در پشتیبانی قوای ما در عراق و صحرای غربی بعمل آورد . مارشال هوائی تیدر میتواند در صورت اشتراک در جنگ و یا در موقع خطر حمله در صحرای غربی از دادن کمکهای هوائی ضروری برای عملیات جنگی در عراق خودداری نماید . »

چرچیل سپس به ژنرال ویول اطمینان میدهد که مقصود انگلستان توسعه عملیات جنگی نیست بلکه منظور حل مشکلی است که پیش آمده و چنین می نویسد :

« موجبی ندارد که از آینده طولانی در عراق خسته شوی . نخستین وظیفه و مأموریت شما آنست که دولت دوستی در بغداد تشکیل گردد و با شدت هرچه تمامتر قوای رشید عالی گیلانی را سرکوبی نمائی . ما در حال حاضر نمیخواهیم پیشرفت وسیعی در کنار رودخانه در بصره بنمائیم و نمیگوئیم گر کوک یا موصل را تصرف نما و در صدد هیچگونه تغییراتی در آتیه عراق نیستیم . طبق پیشنهاد شما دستورهای کافی در این باب داده ام ولی وظیفه شماست که هنگک موتوریزه اتصال بین بغداد و فلسطین را تأمین نماید . دوران فیروزی آلمان طول نخواهد کشید . امیدواریم هنگک مزبور برای حرکت در تاریخ دهم ماه مه حاضر باشد مشروط بر اینکه روز دوازدهم ماه به حبانیه برسد و این تاریخ بر فرض آنستکه حبانیه بمقاومت خود ادامه دهد . یقین داریم که این تاریخها را پنهان خواهید داشت و نهایت اهتمام را در تسریع حرکت بعمل خواهید آورد . »

ژنرال ویول پیامهای متعددی که باو فرستاده شده بود باشهامت اجابت کرده در تاریخ سیزدهم ماه مه ۱۹۴۱ چنین اطلاع داد - :

« به کلیه تانکهای موجوده دستور دادم که به قوای « گوت » برای حمله بردشمن در میدان سلوم بدون انتظار پلنگ ( نام محرمانه ای است که بکاروانهای حامل اسلحه در دریای مدیترانه اطلاق میگردد ) ملحق شوند . چنانچه اوضاع در صحرای غربی بروفق مرام باشد سعی میکنم قوای اضافی به فلسطین برای حمله بمراق اعزام دارم . مسا باید این کار سنگین را در عراق هر چه زودتر خاتمه دهیم . همچنین نهایت جد را برای تقویت جزیره کرت در مقابل حالات احتمالی مبدول خواهم داشت . با ژنرال کاترو در باب سوریه امروز عصر مذاکره نمودم . »

در خلال این احوال کاروانها بسلامت وارد اسکندریه می شدند و امیدواری بیشتری به عملیات جنگی در کرت و صحرای غربی و سوریه میرفت و این اقدام دولت انگلستان نتایج رضایت بخشی داد .

نامه مورخه ۱۴ مه ۱۹۴۱ نخست‌وزیر به ژنرال اوکنلیک :

« از اینکه برای ملاقات با ویول عازم بصره شده اید بسیار خرسندم . ویول جریان کاروانها و دفاع از کُرت را شرح خواهد داد . فیروزی ما درلیبی وضعیت عراق را بکلی تغییر خواهد داد و اهمیت وقایع آنجا را چه از نظر آلمان و چه از نظر عراقها تقلیل میدهد .

۲ - از مساعی فوق‌العاده‌ای که راجع به بصره مبدول داشته‌اید بسیار سپاسگزارم . بهتر است قوای هندی در بصره تقویت شوند . ولی باید مترصد فرصت مناسب بود و با قوای کمی بطرف بغداد پیش رفت . مجدداً قلت اهمیت تصرف کرکوک یا موصل را تذکر میدهم . باید وقتی ب فکر این تصمیم افتاد که نتیجه حرکت کاروانها در مدیترانه بسوی اسکندریه و کُرت معلوم شود بنابراین قبل از هر چیز باید در صدد تشکیل دولت دوستی در بغداد برآمد و تا سرحد امکان پایگاه وسیعی در بصره بدست آورد و پس از آن در صدد تصرف سوریا برآئیم . شکست آلمان درلیبی موضوعی است که سرنوشت سایر حوادث و پیش‌آمدها را تعیین میکند . فعلاً نمیتوان نقشه‌های وسیع و طولانی طرح نمود مگر اینکه شکست آلمان درلیبی تحقق پذیرد آنگاه همه چیز آسان میشود .

عقیده جرجیل براین بود که قبل از هر گونه زدو خورد شدید و خونین به فضایی عراق خاتمه داده شود و به عقیده وی حوادث احتمالی کُرت چندان مهم نیست .

طلایه قوایی که برای کمک حبابیه اعزام شده بود روز هجدهم ماه مه ۱۹۴۱ به حبابیه رسید . این قوا مرکب از یک تیپ زره‌پوش بود که از فلسطین برای تجدید حمله بر قوای عراق که پل بین موصل و فلوجه روی فرات را در تصرف داشت اعزام گردیده بود . در این هنگام تنها دشمن انگلستان عراقیها نبودند و چند هواپیمای آلمانی در سیزدهم مه در فرودگاه موصل تمرکز یافت لذا نیروی هوایی انگلستان قبل از هر اقدام لازم بود بر هواپیماهای آلمان حمله کرده مانع تجهیز آنها از سوریه بوسیله راه آهن گردد .

روز نوزدهم مه ۱۹۴۱ قوای حبابیه با قوای کمکی شروع به حمله بر فلوجه ( واقع در هشتاد کیلومتری شرق بغداد در راه بغداد به حبابیه و شام ) نمودند ولی طغیان آب رودخانه فرات مانع تأمین ارتباط مستقیم با قسمت غربی شهر گردید ( قسمت مهم و آباد شهر فلوجه همان قسمت غربی است که بوسیله پل آهنی با قسمت شرقی که بیشتر مزارع است اتصال می‌یابد ) و لذا عده هواپیما برای قطع راه بازگشت نیروی عراق و قطع جاده بغداد پرواز دادند و انتظار میرفت علاوه بر بمباران شدید نیروی دشمن که مرکب از یک تیپ قوی و مجهز بود مجبور به تسلیم یا پراکندگی و فرار گردد ولی پس از بمباران معلوم شد که نیاز ب حمله زمینی است . بنابراین به قوای کوچکی که مأمور حفظ پل آهنی جاده بغداد بود دستور داده شد وارد میدان شود و این قوا مأموریت خود را بدون دادن تلفات انجام داد و قوای عراق با دادن سیصد نفر اسیر عقب نشینی کرد . سه روز بعد که قوای عراق خود را آماده حمله کرده بود بوسیله بمبارانهای هوایی و آتش توپخانه قوای انگلیس موفق باین حمله نگردید . قوای انگلیس چند روزی را صرف تهیه مقدمات حمله اخیر به بغداد نمود و در خلال این مدت نیروی هوایی انگلیس مساعی نیروی هوایی آلمان را که در فرودگاههای شمال عراق ( موصل ) تمرکز یافته بود خنثی کرد ، ضمناً یکدسته از هواپیماهای ایتالیایی نیز در آسمان عراق مشاهده گردید ولی اقدامی بعمل نیاورد . افسر آلمانی فرزند مارشال پلومبرگ که مأمور تنظیم عملیات هوایی آلمان با قوای عراق بود در اثر بی‌مبالائی بیراندازان عراقی هنگام فرود آمدن در فرودگاه بغداد در قسمت سر مجروح گردید و ژنرال فیلمی بجای وی منصوب شد و اگر چه این ژنرال موفق بفرود آمدن گردید نتوانست کاری صورت دهد . ژنرال فیلمی حامل اوامر و تعلیمات شدیدی از هیتر بود یعنی همان موقع

که هر گونه فرصت مداخله محور سلب شده بود .

دستورهای شماره ۲۰ خاورمیانه هیتلر مورخ ۲۳ مه ۱۹۴۱ مفرماندهی میدان :

« جنبش آزادیخواهی عرب در خاورمیانه علیه انگلستان کمکی برای ما محسوب می‌گردد و لذا باید اهمیت خاصی بشورش در عراق داد زیرا بخارج مرز عراق نیز سرایت کرده مخالفین و دشمنان انگلستان را در خاورمیانه تقویت و خطوط ارتباطیه انگلستان را قطع مینماید و قوا و کشتیهای انگلستان را در میدانهای دیگر جنگ مشغول میدارد . بنابراین مقرر می‌داریم که عملیات جنگی در خاور میانه بوسیله کمک به عراق توسعه یابد . اما اینکه چگونه میتوان مرکز انگلستان را بین دریای مدیترانه و خلیج فارس متزلزل نمود و در عین حال به کانال سوئز حمله برد اینها همه در دست خداوند است . »

۱۹۴۱

حرکت قوای انگلیس بطرف بغداد در شب ۲۷ مه ۱۹۴۱ شروع گردید ولی بعلمت طغیان آب و خرابی بیشتر پلهای عرض راه حرکت خیلی آهسته پیش میرفت و بالاخره روز ۳۰ مه ۱۹۴۱ پیش قراولان نیروی انگلیس بجومه و اطراف بغداد رسیدند . در این تاریخ رشید عالی گیلانی و همدستانش باتفاق وزرای مختار آلمان و ایتالیا و مفتی اعظم فلسطین که در حقیقت محرکین و مسببین این غائله بودند بطرف ایران فرار کردند. روز بعد (۱۹۴۱م ۱۹۴۱) متار که جنگ اعلام شد و نایب السلطنه عراق عودت کرد و دولت جدیدی تشکیل گردید . نیروی زمینی و هوایی انگلیس نقاط و مراکز حساس شهر را تصرف کردند .

بدین ترتیب نقشه هیتلر برای ایجاد شورش و بلوا در عراق و تصرف این منطقه وسیع در حالی که نزدیک بود عملی شود برهم خورد ، و تیپ هندوستانی خیلی به موقع در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۱ در بصره پیاده شد و رشید عالی را که هنوز مقدمات کار را کاملاً فراهم نکرده و آماده نشده بود مجبور باقدام نمود. همچنین یابرداری و استقامت قوای دفاعی جابانه را نباید فراموش کرد. آلمانها باجتزازها و سربازانی که داشتند میتوانستند از راه هوا با سهولت عراق و سوریه و ایران را با جاههای نفت وسیع و گرانها تصرف نمایند و حتی هیتلر میتوانست بر هندوستان نیز دست یابد و به ژاپون متصل گردد ولی هیتلر ترجیح میداد که نیروی هوایی خود را در نقاط دیگر بکار برد .

این نکته را نیز باید یاد آور شد که شورش عراق جزء کوچکی از اجزاء میدان جنگ فرماندهی ژنرال ویول بود و این میدان شامل حمله آلمان بر کورت و تهیه نقشه حمله متقابل بر رومل در صحرای غربی و حمله به حبشه و ازبیری و بیرون راندن آلمان از سوریه بود . دریای مدیترانه در نظر انگلستان و نسبت به مشکلات دیگر ، از جنبه خطر تصرف جزیره انگلیس ، جنگ اژدر اندازها و جنگ ژاپون در درجه دوم اهمیت قرار داشت .

خلاصه آنکه بافشاری کابینه انگلستان بر ریاست جرجیل در خانه دادن سریع و قانع عراق و عدم قبول پیشنهاد مذاکره بارشید عالی گیلانی یا وساطت ترکیه موجب پیروزی انگلستان و تغییر جریان اوضاع جنگی در خاور میانه و بلکه سر نوشت دومین جنگ جهانی گردید و پس از ختم غائله عراق متعین توانستند کمکهای خود را به شوروی از راه ایران برسانند و قوای آلمان را که تا پشت دیوار قفقاز و جاههای نفت باد کوبه رسیده بود به عقب زنند و شکست دهند .

پایان